

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد  
بدین بوم ویر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Satire

طنز

دپلوم انجنیر خلیل الله معروفی  
برلین، ۱۶ اکتوبر ۲۰۰۹

## نقَالَ ناکام مطلق است!!!

ذکر خیری از پورتال "سه دال"

### طنز

به یقین که دانشمندان و تعلیم یافتگان امروز ما بیشتر از همه پرورده دامن پر فیض وطنند. و بدون شک که پرورش علمی و آموزشی ایشان مدیون همان سیستم و نظام تعلیماتی میباشد، که با آن آشنائی داریم. لیسه جلیل – و بقول غلط "جلیله" – "حبیبیه" واقع "پل باغ عمومی"، هرگز از یادم نمیرود؛ که هرگز از یادها مرواد!!!! آخر از صنف دوم ابتدائی را تا ختم صنف دوازدهم که ختم آموزش و تعلیم درین دانشکده (۱) محبوب حضرت کابل بود، در همانجا سپری کرده و از کیف و کان و باد و بارانش فیض ها برده ام. معلمان ارجمند این لیسه، که یاد همه و ذکر همه شان به خیر باد، هیچگاه از خاطر من بدر نمیروند. این معلمان جلیل القدر و آموزگاران فیاض، دست ما را گرفتند و شیوه "راه رفتن" آموختند. و اگر امروز رشحاتی ازین قلم روی کاغذ و صفحه کمپیوتر میریزد، از برکت وجود نیکو وجود همان بزرگان و حقداران و پدران معنوی ماست؛ یاد همه شان گرامی باد و باده کوثر در جام شان پیوسته بریزاد!!!!

چنانکه همه میدانیم، سطح و سویره تعلیمی همه شاگردان یکسان نبوده است؛ تعدادی ساعی و کوشا و مستعد بودند، مانند بسا کسانی که می دیدیم و می بینیم. تعدادی هم شاگردان به اصطلاح تنبل بودند، مانند صاحب این قلم. و روز امتحان روز پاداش و مکافات بود. تعدادی شاد بودند و با سر بلند، درجات عالی را کمائی میکردند. و تعدادی هم ناشاد (۲)، چون نتیجه درس شان آن نبود که در آرزویش بودند. صحنه های امتحانات هم گمان نکنم، که از خاطره ها زوده شوند. شاگردان لایق در صدد هرچه بهتر نوشتن پارچه امتحانات بودند، و شاگردان "کمتر لایق" چشم به این همسایه و آن همسایه می دوختند، مگر چیزی و چیزی دستگیر شان گردد. معلم صاحبان و آموزگاران گرانقدر، که از این "صنعت دلاله" و "فن مباح" آگاه بودند، لوحه ای را با خط مشقی و جلی در پیش روی صنف می آویختند (آویزان میکردند) و میدانید، که چه چیزی از آن مستفاد میکردید؟؟؟ مفاد (۳) آن لوحه هشدار دهنده این بود:

### "نقَالَ ناکام مطلق"!!!!!!

یعنی اگر کسی را در اثنای "نقل کردن" گیر میکردند، پارچه اش را گرفته و بر آن یک "صفر کلان و مشقی" و به رنگ سرخ رسم میکردند.

امروز صبح مردان و بساعت ۶، وقتی صفحه مؤرخ ۱۶ اکتوبر پورتال "افغانستان آزاد – آزاد افغانستان" را مرور کردم، در زمره مطالب دیگر "جنگ قصابان – نبرد نابرابر" توجهم را بخود جلب کرد. وقتی دو ساعت بعد، یعنی به ساعت ۸ صبح، پورتال "سه دال" را باز کردم، عنوان مقاله را "جنگ غصابان نبرد نابرابر" یافتم. محتوایش را از

نظر گذشتانده و در حالی که تبسم ملیحی از زیر لب میخرامید، همان ورشن را در آرشیف خاص پورتال "سه دال" ثبت کردم.

اینک و همین حالا که ساعت ۱۴ پیشین است، باز گذرم به پورتال "سه دال" افتاد و با تعجب متوجه شدم که عنوان را - لا اقل از روی پورتال "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان" - اصلاح کرده و "غصاب" را "قصاب" ساخته اند. به یاد لیسه حبیبیه افتادم و همان لوحه مشهور "نقال ناکام مطلق" اش. در دل گفتم، که پورتالچیان "سه دال" از خود نه کله دارند و نه مغز تا دریابند، که "غصاب" که هیئت و وجهه تلفظی هراتیان عزیز از کلمه "قصاب" است، مبین هیچ معنایی نیست و اگر هم باشد، در این مورد خاص مناسبت ندارد.

تعدادی از کلمات را نیز تا جایی که عقل "دلده و دال" قد میداده، از روی پورتال "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان" اصلاح کردند و من نمیخواهم آن لغات و کلماتی را که در ورشن دوم اصلاح گردیده اند، بیرون نویس نمایم. فقط افسوس میخورم، که:

## وقتی نقل کرده اند، چرا درست نقل نکرده اند، که از "ناکامی مطلق"

### به یکباره جَست (۴) میگردند؟؟؟

من مگر میدانم که پورتال چیان "دلده خور" و "دال مآب"، فقط آنچه را اصلاح کرده اند، که توان درکش را داشته اند و الا خیر!!!!!!

ناگفته نماند، که ایشان آن بیت آخر مقاله را کاملاً حذف کرده اند و نیز فراموش کرده اند بنویسند، که آنچه را نویسنده ارجمند مطلب اراده فرموده است، "پیشگفتار" آن کتاب است، که مطالب بعدی آن در آینده عرضه خواهند گردید!!!!

## توضیحات:

۱ - "دانشکده" مراد از "جای دانش" و "تعلیمکده" و "مکتب" و "مکان علم" است و با مفهوم مروج فارسی ایران که از آن مدلول "پوهنخی" و "فاکولته" ما مردم را میگیرند، قطعاً و هرگز ارتباط ندارد.

۲ - "ناشاد" که صورت مقابل "شاد" و در معنای "غمگین و ناکام و نامراد" است، از کلمات زیبای دری عامیانه کابلیست، که بیشتر بر زبان زنان ارجمند کابلزمین جاری میگشته است؛ چنان که وقتی کسی را دعای بد میگردند، میگفتند:

« الهی ناشاد شوی!!! »

۳ - "مفاد" (به ضم میم) اسم مفعول از مصدر "افاده" (باب "افعال") است، یعنی "افاده شده" و "آنچه افاده گردیده است". "مفاد" (با فتح میم) در معنای "فایده" و "سود" است و مع الاسف بسا کسان - حتی چیزفهمان - این دو را مغالطه می فرمایند!!!!

۴ - "جست" (به فتح جیم) که حاصل مصدر "جستن" یعنی "خیز زدن" است، در زبان گفتاری ما بسیار استعمال میگردد. چنانکه اگر بگوئیم که "فلانی از خطر جست کرد" یعنی که "خطر از سرش به خیر گذشت" و به اصطلاح شیرین دیگر: "خطر از سرش بچ شد".

و یا نانوایان گویند: "نان جست کرد." یعنی که: "نان پخته شده از جداره تنور جدا گشته و در تنور افتاد"